



حد معمول برداشت افراد از قرآن نمی‌تواند محل سؤال قرار گیرد

نمی‌توان حجیت و اعتبار حدی از برداشت‌ها و تلقی‌های عمومی از قرآن را زیر سؤال برد؛ این حد معمول و عرفی از برداشت‌ها، که جامعه و افراد با مراجعه به قرآن می‌توانند از آن داشته باشند، نمی‌تواند محل سؤال و اشکال قرار گیرد.

نمی‌توان حجیت و اعتبار حدی از برداشت‌ها و تلقی‌های عمومی از قرآن را زیر سؤال برد؛ این حد معمول و عرفی از برداشت‌ها، که جامعه و افراد با مراجعه به قرآن می‌توانند از آن داشته باشند، نمی‌تواند محل سؤال و اشکال قرار گیرد.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدصادق یوسفی مقدم، رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به دو رویکرد افراطی و تفریطی به روایات تفسیری گفت: برخی به طور کلی بر این اعتقادند که روایات در برابر قرآن، از اعتباری برخوردار نیستند و در مقابل عده‌ای، بر این باورند که اساساً مگر از طریق روایات، نباید سراغ قرآن رفت و این در حالی است که از يك سو، وجود روایات جعلی، مجال اعتماد تام و تمام به روایات را به ما نمی‌دهد و از سوی دیگر، نمی‌توان با وجود روایات تفسیری جعلی، از ظرفیت کلان روایات تفسیری معتبر چشم پوشید.

یوسفی مقدم با بیان اینکه یکی از نکات واجد اهمیت در ارزیابی جایگاه تفاسیر روایی، توجه به مقصود و غرض نوشته شدن این تفاسیر است، اظهار کرد: گاه غرض از نوشته شدن يك تفسیر روایی، جمع‌آوری روایات است، گاه غرض تحقیق درباره روایات و تبیین دیدگاه‌هایی است که در روایات وجود دارد و گاه ممکن است يك تفسیر روایی به دنبال ارائه يك تفسیر نهایی از آیات قرآن باشد.

وی حکم تفسیر روایی را در هر کدام از این موارد متفاوت از مورد دیگر دانست و بیان کرد: یقیناً در روایات تفسیری باید تأمل شود و این روایات باید از جهات مختلف تجزیه و تحلیل شده و از نظر سندی و از نظر دلالتی مورد بررسی قرار گیرند و این بخشی از کاری است که می‌تواند ذیل تدوین تفاسیر روایی انجام و به عنوان يك ظرفیت قابل توجه تفسیری ارائه شود.

باید سطحی از برداشت‌های عرفی و معمولی قرآن، برای عموم افراد حجیت و اعتبار داشته باشد والا تحدی کردن برای عموم مردم، معنا نخواهد داشت؛ چرا که در این صورت خطابات قرآنی برای آنان بی‌معناست

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم با تأکید بر این نکته که تفاسیر روایی به تنهایی کفایت نمی‌کنند، افزود: اگر ما در تفسیر آیات قرآن تنها به روایات توجه کنیم و از دیگر روش‌ها و ظرفیت‌هایی که می‌توانند برداشت‌های قرآنی را تعالی بخشند و ما را در برداشت‌های گوناگون کمک و مساعدت کنند، فاصله بگیریم، قطعاً این امر را می‌توان يك آسیب در تفسیر قرآن خواند.

وی در ادامه به تشریح مسئله برداشت‌های عموم افراد از قرآن در نسبت با رویکرد حداکثری نسبت به تفسیر روایی پرداخت و گفت: براساس يك تعریف حداکثری از تفسیر روایی، برداشت‌های افراد از آیات قرآن ناموجه است، در حالی که حدی معمول و عرفی از برداشت‌هایی که جامعه و افراد با مراجعه به قرآن می‌توانند از آن داشته باشند، نمی‌تواند محل سؤال و اشکال قرار گیرد.

یوسفی مقدم در تبیین این مطلب گفت: در قرآن کریم بعضی از آیات هستند که خداوند در آن‌ها می‌فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ» و اساساً در بسیاری از آیات قرآن کریم، خطاب به عموم مردم است و تعبیر «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» به کار رفته است. بنابراین باید این را پذیرفت که نمی‌توان حجیت و اعتبار بسیاری از برداشت‌های کسانی را که حداقل با زبان عربی آشنایی دارند زیر سؤال برد و جلوی چنین تلقی‌های عمومی را گرفت.

وی با استناد به آیات تحدی نیز گفت: یکی از مقولاتی که در مورد جایگاه قرآن از سوی خداوند مطرح شده است، تحدی در مواجهه با کفار است. ما شاهد هستیم که خداوند در قرآن کریم با کفاری تحدی می‌کند که افراد دانشمندی نبودند، بلکه از افراد عادی جامعه بودند و فهم و درک آنان از قرآن نیز در حد فهم عموم جامعه بود. بنابراین معلوم می‌شود که باید سطحی از برداشت‌های عرفی و معمولی قرآن، برای عموم افراد حجیت و اعتبار داشته باشد، و الا تحدی کردن برای عموم مردم، معنا نخواهد داشت، چرا که در این صورت خطابات قرآنی برای آنان بی‌معناست.